

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد هارون خیل شعشی

۰۶ سپتمبر ۲۰۱۱

## مسأله افغانستان

### یک راه حل بیشتر ندارد

درین روز ها تحلیلگران و آگاهان افغان با توجه به بحران فراگیر سیاسی و حقوقی دولت دست نشانده کززی، به ابراز نظر در مسایل ملی و میهنی شان پرداخته؛ و برای بیرون رفت کشور از چنین وضع خطرناک، راه های حلی تجویز می نمایند. برخی ها، خواستار تطبیق قرار محکمه اختصاصی مبنی بر تعویض شصت و دو (۶۲) وکیل اولسی جرگه شده؛ بعضی ها، نتایج اعلام شده توسط کمیسیون نا مستقل انتخابات را نهائی تلقی کرده؛ و تأسیس محکمه اختصاصی را امر خلاف قانون اساسی پنداشته؛ عده دیگری یک قدم فراتر رفته، بر حکم محکمه اختصاصی و فیصله کمیسیون انتخابات خط بطلان کشیده؛ تدویر انتخابات جدید را یگانه راه رهائی میهن از این مخمصه شمرده؛ شماری تغییرات تشکیلاتی در دستگاه دولت موجود را به عنوان راه حل پیشنهاد نموده؛ و تعدادی هم مسایلی چون به رسمیت شناختن افغانستان به مثابه یک مملکت بیطرف و غیر نظامی و حل مسأله خط فرضی و تحمیلی دیورند را کلید بازکشائی گره در هم پیچیده کشور جنگ زده و بلا کشیده ما تلقی نموده؛ و طرح های دیگری ازین دست، که هر کدام بالنوبه بخشی از یک سیستم بیمار، آفت زده و بحران زا در کشور را مورد غور و مذاقه قرار می دهد.

متأسفانه در راه های حل پیشنهاد شده از جانب تحلیلگران و اندیشه پردازان ما، ماهیت بحران سی و دو ساله افغانی درکل، مطمحن نظر نبوده است. به بیان دیگر، در نظرات و پیشنهاد های خبرگان گرامی ما اغلباً بر اصلاح یا تعویض این یا آن پرزه یک سیستم آفت زده، بیمار و فاسد بحث می شود، نه سیستم مشکل آفرین و بحران زا در مجموع. در حالی که سیستم حاکم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ما دچار چنان تضاد ها، اختلافات، بیماری ها و آفات است، که با اصلاح و تعویض این یا آن پهلو یا این و آن پرزه اش هیچ گاه نمی توان به مهار کردن بحران عمیق و فراگیری دست یافت، که ابعاد وخامتش با گذشت هر روز سخت تر و گسترده تر می شود. برای درک بهتر مسأله، بی جهت نیست تا مثال ساده و عام فهمی پیشکش نمایم. بر خوانندگان دراک و

نکته سنج ما هویداست، هر گاه در سیدی، چند سیب زخمی و آفت رسیده وجود داشته باشد، با دور کردن فوری آن از سبد، می توان باقی سیب ها را با آسانی نجات داد؛ اما در صورتی که، همه سیب های موجود در سبد به نحوی از انحا داغدار و آفت زده باشد، دیگر امیدی برای نجات سیب ها، وجود نخواهد داشت. نگهداشت سیب های مصدوم و آسیب دیده در سبد یا جای دیگر، به مرور زمان باعث شیوع تعفن و امراض گوناگون در محل نگهداری و چهار اطراف آن خواهد شد. روی این استدلال، مسأله افغانستان، که شباهت کامل به سبد سیب های داغیده و آفت رسیده دارد، از نظر این عاجز، یک راه حل بیشتر ندارد؛ و این راه حلی باید سیستم کهنه، فاسد و در حال اضمحلال کنونی را به یک سیستم تازه، پُر انرژی و پایدار در کشور مبدل سازد.

چرا مسأله افغانستان صرف یک راه حل دارد و سایر راه های حل تجویز شده همه در نهایت به بی راهه می روند؟ پاسخ این سؤال پُر اهمیت را در سطور آتی، تقدیم خوانندگان ارجمند می نمایم :

- وجود بحران سی دو ساله در جامعه ما به خصوص بحران ناشی از اشغال نیرو های خارجی، که نه تنها شیرازه زندگی آرام و مرفه مردم مظلوم و رنج کشیده ما را از هم گسیخته، بلکه در مقاطع مختلف تاریخی تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی وطن عزیز ما را نیز در معرض خطرات و تهدید های جدی قرار داده است. این بحران نوجوانب و ریشه ئی را با تغییر و اصلاح این یا آن پرزه رژیست دست نشانده کنونی، نمی توان حل کرد.

- ناتوانی نیروهای ائتلافی و قوای مسلح تنظیمی حکومت کرسی از کنترل اوضاع رو به وخامت امنیتی در سرتاسر کشور. البته، اوضاع و احوال متشنج امنیتی در افغانستان با خروج جزئی یا کلی نیرو های ائتلافی از یک سو و تشدید تضاد های درونی گروه های شریک در دولت کرسی از سوی دیگر، بیش از پیش متزلزل و ناپایدار خواهد شد؛ زیرا پول باد آورده دولت های ائتلافی با در نظر داشت بحران حاکم بر اقتصاد جهانی، انتقال امکانات و ظرفیت ها به سایر بستر های متشنج در جهان چون لیبیا، سوریه و غیره و بالاخره برنامه خروج کلی یا جزئی از افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ م، با گذشت زمان کاهش خواهد یافت. تقلیل منابع مالی، تسلیحاتی و امکاناتی حکومت کرسی، افزایش حملات نیرو های مخالف و بالنتیجه تعمیق تضاد های داخلی در حلقات حاکم، وضع سیاسی - نظامی در کشور را به مرحله انفجار خواهد رساند. بدون شک، علاوه بر مخالفان مسلح کنونی، که از آغاز تهاجم نیرو های امریکائی و ائتلافی علیه افغانستان پیوسته سرگرم پیکار مسلحانه بوده، احزاب و سازمان های سیاسی- نظامی دیگری نیز بی صبرانه انتظار خروج تفنگداران بیگانه از کشور می کشند، که هر کدام آن به نوبه خود می تواند بر سنگینی و وخامت اوضاع در میهن متلاطم و آشوب زده ما بیفزاید؛ و این خانه پُر افتخار تاریخی را یک بار دیگر با خطر جنگ های هلاکتبار تنظیمی، قومی، مذهبی، زبانی و سمتی مواجه سازد. فروپاشی مرحله به مرحله نظام مزدور و فاسد کرسی، خواهی نخواهی راه را برای اقتدار مخالفان مسلح کنونی، علی الخصوص طالبان، هموار خواهد ساخت؛ زیرا نیرو های مسلح دیگری قادر به جلوگیری از پیشروی های نظامی آنان نخواهد بود. بی نیاز از اثبات است، وقتی طالبان و سایر نیروهای مسلح مخالف با توسل به زور و قوه وارد صحنه سیاسی گردیده، دور نمای شرایط تحمل پذیری، مصالحه ملی، ایجاد سیستم باز و انعطاف پذیر سیاسی و بالاخره پیشرفت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در مملکت نیز خود به خود ناچیز خواهد بود.

- وجود فساد عمیق و گسترده در دستگاه دولت جهمی کرسی، که قاطبه هموطنان بینوا و رنج دیده ما را به ستوه در آورده اند. هموطنان آگاه و درست اندیش ما خود قضاوت نمایند، آیا فساد را که همه ارکان دولت، از مأمور عادی تا شخص کرسی، را طاعون آسا فرا گرفته، می توان با تغییر و تبدیل این یا آن شخص، ریشه کن ساخت؟! - تسلط مافیای سیاسی- اقتصادی بر جامعه، که به زورگوئی، فقر، بیکاری، بی خانگی، فقدان تعلیم، صحت و خدمات متوازن شهری، تراکم نفوس، مهاجرت های اجباری، فرار سرمایه گذاری و نیروی کار و سایر پدیده های

زیانبار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کشور دامن زده است. از جانب دیگر، سیاست های تحمیل شده مؤسسات سودجوی جهانی در بخش مالی و اقتصادی، وطن عزیز ما را به یک کشور مصرفی و غیرمؤلد مبدل ساخته است. وقتی همه نیازمندی های هموطنان ما از ممالک بیرونی وارد گردد، مسأله اشتغال و حمایت تولیدات ملی را چگونه می توان حل کرد؟ شکی نیست تا افغانستان عزیز از یک کشور مصرفی و وارداتی به یک کشور مؤلد و صادراتی، به خصوص در عرصه محصولات زراعتی، مبدل نگردیده، نه تنها حل مسأله بیکاری و رفاه اقتصادی مردم امید بیجا بوده، بلکه نگهداشت مطمئنانه استقلال سیاسی مملکت نیز مسأله آسان نخواهد بود. خوانندگان باخبر و چیز فهم ما دقیق می دانند، که در حال حاضر قسمت اعظم آب های سرشار کوه های سر به فلک کشیده ما به کشور های همسایه سرازیر می گردد؛ گاز طبیعی و سایر منابع زیر زمینی ما به صورت عمده دست ناخورده باقیمانده، ولی ما نسبت سیاست های نادرست و تحمیل شده، مایحتاج خود را از دیگران می خریم. ناگفته پیداست، که اتکاء به چنین سیاست های ضد ملی، اقتصاد کشور ما را تابع وضع سیاسی- اقتصادی کشور های بیگانه ساخته؛ و نتیجه حاصله آن مسلماً این خواهد بود، که کوچکترین اختلال و نابه سامانی در اوضاع سیاسی - اقتصادی کشور های صادر کننده، اوضاع سیاسی- اقتصادی جامعه ما را نیز دچار بحران و نابسامانی خواهد نمود. مگر می شود امور مملکتداری خویش را به رحم و کرم بیگانگان وابسته کرد؟!

- تعمیق و گسترش بحران سیاسی - حقوقی قوای سه گانه دولت، که قدم به قدم به همه ارگان های آن، اعم از اردو، پولیس و استخبارات نیز سرایت نموده؛ و به منزله بم وقت گذاری شده، عمل خواهد کرد. این بحران سیاسی- حقوقی در واقع از تضاد ها و مخاصمات درونی رو به تزايد اجزای متشکله رژیم پوشالی سرچشمه گرفته؛ و راه دیگری جز انفجار ندارد. از اینرو، نه تطبیق حکم محکمه اختصاصی مبنی بر تعویض شصت و دو (۶۲) وکیل اولسی جرگه، نه لغو محکمه اختصاصی، عزل قاضی القضاة، اعضای ستره محکمه، لوی خارنوال، وزیر یا وزرای کابینه و نه هم مسایلی ازین سنخ، کمکی در حل و فصل قضایای بغرنج کشور جنگ زده و ویران شده ما ایفاء خواهد کرد؛ زیرا بحران افغانستان به مراتب بزرگتر و عمیقتر از آنست که با وارد ساختن چنین تغییرات سطحی و نمایی در دستگاه دولت مزدور، فاسد و ناکار کرزی، فروکش نماید.

همه گزینه ها و امکانات موجود را در نظر بگیرید: اگر اولسی جرگه با ترکیب کنونی آن، اجازه فعالیت یابد؛ یا همه شصت و دو عضو بر حال آن بنابه قرار قضائی محکمه اختصاصی توسط وکلای جدیدی تعویض گردد؛ و یا کمیسیون نامنهاد انتخابات و محکمه اختصاصی هر دو ملغاء اعلام شده، انتخابات جدیدی برگزار گردد، باز هم چه تغییری در وضع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور رونما خواهد گردید؟ آیا با تدویر انتخابات جدید، آفتاب از غرب طلوع خواهد نمود؟ مگر کشور پامال شده ما پیش و بعد از برگزاری انتخابات جدید، باز هم جولانگاه بازی های خود غرضانه و غیر مسؤولانه جنایتکاران، زورمندان، جاسوسان و چپاولگران موجود نخواهد بود؟ به واقعیت های تلخ و دردناک جامعه تان درست و دقیق نگاه کنید، آیا تحت سایه شوم و نکبتبار عساکر بیگانه و انواع دست اندازی ها، زورگوئی ها، قانون شکنی ها، نابرابری ها و بی عدالتی ها اصلاً می توان سخن از برپا کردن انتخابات آزاد، شفاف و عادلانه در کشور به میان آورد؟! خیالست و محالست و جنون. چرا؟ به خاطری که حالا در صحنه سیاسی این وطن جنگل مانند، جز سران و قومندانان گروه های جنگی، سوداگران مواد مخدر، مافیای اقتصادی و ریزه خواران گوناگون شبکه های استخباراتی، شخص شریف و نجیب توان نفس کشیدن ندارد. لذا، تا زمانی که همین مکتب است و همین ملا، کار طفلان همواره بدین فضیحت و رسوائی خواهد بود. لویه جرگه، اولسی جرگه، مشرانو جرگه، جرگه های ولایتی و غیره جرگه ها، شورا ها

و کمیسیون ها در هیچ مقطع زمانی بنابه عضویت چنین چهره های بدنام و شنیع، عاری از بحران ها و مصیبت ها نخواهد بود. بی نیاز از اثبات است، وقتی حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور تحت حاکمیت کسانی قرار داشته باشد، که ریموت کنترول آن در دست گروه مزدور و جنایتکار جنگی، مافیای جرمی و سازمان های جاسوسی اجانب بوده؛ و همه به عنوان ستون پنجم دشمنان بیرونی مملکت عمل نمایند، از منافع و مصالح علیای ملی نیز هیچ گاه خبری نخواهد بود. به دولتمردان تان نگاه کنید! در کشوری که کرسی رئیس جمهور، خلیلی و فهیم معاونان رئیس جمهور، ابراهیمی رئیس اولسی جرگه، عبدالهادی مسلمیار رئیس مشرانو جرگه و فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون انتخابات بوده؛ و تمام دستگاه دولت از مؤسسات عدلی، قضائی و دیپلماتیک گرفته تا اردو، پولیس، استخبارات و سایر ادارات مهم، به جای اشخاص مسلکی، پاک نفس و وطندوست در دست جنایتکاران، چپاولگران، جاسوسان و گماشتگان متمرکز باشد، آیا می توان از احتمال ظهور و گسترش بحران های گوناگون در کشور جلوگیری به عمل آورد؟! حاشا و ابا. همچنان که سیم های لُج برق، عامل شارتی و آتش سوزی بوده، وجود چنین افراد خاین، جرم پیشه و ناشایسته در رأس امور نیز به خودی خود، تباهن و فاجعه آفرین خواهد بود.

- همانگونه که نشست، تغییر و یا برخاست پارلمان موجود نمی تواند در حل مسایل اساسی و حیاتی کشور فلاکت زده ما کاری از پیش ببرد، طرح مسأله بیطرفی و غیر نظامی ساختن افغانستان نیز با توجه به شرایط جنگ بیگانه یا نیابتی، نمی تواند هیچ دردی از درد های این مملکت بحران زده را دوا کند. البته، طرح به رسمیت شناختن افغانستان به عنوان یک کشور بیطرف و غیر نظامی، مسأله تازه ای نیست. چه، این گونه طرح ها در گرماگرم انعقاد موافقتنامه های سال ۱۹۸۸م ژینو میان دولت افغانستان و پاکستان نیز از جانب برخی حقوقدانان و سیاستمداران وابسته به رژیم کابل مطرح گردید، که با وصف تضمین ظاهری توسط دو ابر قدرت جهانی، اتحاد شوروی سابق و ایالات متحده امریکا، به نتیجه ای منتج نگردید؛ زیرا خصوصیت جنگ اعلام نشده علیه حکومت نجیب الله، پاکستان و ایالات متحده امریکا را فرصت می داد تا علی رغم تعهدات بین المللی شان مبنی بر رعایت مُفاد توافقات ژینو، به مداخلات در امور افغانستان کماکان ادامه دهد. این بود داستان بیست و اند سال قبل از امروز.

حال که ایالات متحده امریکا و سایر کشور های ائتلافی از جمله دو عضو دایمی شورای امنیت (انگلتان و فرانسه) با قربانی هزاران نظامی و برباد کردن میلیارد ها دالر و دشمن تراشی در مردمان صلحدوست جهان، به افغانستان لشکرکشی نموده، چگونه حاضر خواهند شد تا افغانستان را به مثابه یک کشور دایماً بیطرف و غیر نظامی به رسمیت شناسد؟ گذشته از این، در صورتی که، طی ده سال گذشته، حضور بالفعل نیروهای نظامی بیش از چهل کشور جهان به شمول ایالات متحده امریکا، انگلتان، فرانسه، المان، ایتالیا، استرالیا و غیره نتوانست یا بهتر بگوئیم نخواست افغانستان را از حملات و تجاوزات بیرونی نجات دهد، توافق لفظی پنج عضو دایمی شورای امنیت مبنی بر بیطرفی و غیر نظامی ساختن این کشور، چه مشکلی را حل خواهد کرد؟ مگر به رسمیت شناختن بیطرفی و غیر نظامی بودن یک کشور یا یک منطقه بدون ضمانت اجرائی آن، می تواند معنی و مفهومی داشته باشد؟

- چنانکه قبلاً تذکر به عمل آمد، تداوم حضور نیرو های امریکائی در افغانستان نیز به هیچ وجه راه حل مسأله ملی و منطقه ئی ما به حساب نمی آید؛ زیرا همه ما ظرف ده سال گذشته شاهد بودیم، در صورتی که حضور یکصد و پنجاه هزار تکنگذار تا دندان مسلح و هزاران قراردادی مسلح وابسته به نیرو های ائتلافی همراه با صد ها

هزار نیروی مسلح حکومت گماشته کرزی، قادر به حل و فصل مسایل حیاتی افغانستان نشده، سی- چهل هزار عسکر محاصره شده و مورال باختۀ امریکائی با کدام طلسم و جادو خواهند توانست، اوضاع لجام گسیخته کنونی را تحت کنترل در آورده؛ و به خواست های مبرم مردم ما پاسخ مثبت گویند؟

- جای شک و تردید نیست، که حل مسأله دیورند میان افغانستان و پاکستان می تواند از میزان کنونی تشنج و بحران در کشور زده ما تا حدودی بکاهد؛ ولی حل و فصل قابل قبول و عادلانه چنین مسأله بزرگ و با اهمیت تاریخی را چگونه می توان در فضای موجود سیاسی و حکمرآوانی یک حکومت مزدور، تصور کرد؟

- بیهودگی خواب مصالحه و آشتی میان رژیم کرزی و گروه های مسلح مخالف آن، علی الخصوص طالبان. هموطنان دراک و بیدار ما به درستی می دانند: از زمانی که ستراتیژی نیرو های ائتلافی مبنی بر قلع و قمع نیرو های مسلح مخالف از طریق زور و قوه، به شکست ننگین و فضحیت بار مواجه گشته است، همواره بر تریبیون های ملی و بین المللی، سخن از مصالحه و آشتی با مخالفان مسلح زده می شود؛ و بدین منظور کمیسیون بزرگی تحت رهبری برهان الدین ربانی، تشکیل داده است. برگزاری این گونه شورا ها و کمیسیون های بیهوده را باید جزء کارزار تبلیغاتی رژیم مزدور کرزی و حامیان بین المللی آن دانست، که نتیجه دیگری غیر از ضیاع وقت و امکانات، به دنبال نخواهد داشت. مگر ممکنست با کرزی، فهیم، خلیلی، محقق، دوستم، سیاف، عبدالله، قانونی، نور، شیرزی، قدیر و بسا جنایتکاران و خاینان هم رکاب اشغالگران، به مصالحه و آشتی پرداخت؟ صرفنظر از قبر های دسته جمعی طالبان در دشت لیلی و شکنجه های جانفرسا در زندانهای داخل و خارج، آیا خون خرابه ها، جنایات ها و خیانت های عمال رژیم مزدور و حامیان اشغالگر آن طی ده سال جنگ تجاوزگرانه، قابل عفو و بخشش است؟ مثال از ممنوعات نیست. فرض کنیم، اگر با وجود این همه جنایات و مظالم نابخشودنی، مصالحه ای در کار باشد، آیا باز هم در وجود چنین حکمرآویان بدنام و بی صلاحیت امیدی به یک افغانستان آزاد، مستقل، مرفه و مترقی وجود خواهد داشت؟

پس بحران عمیق وکثیر الجوانب افغانستان راه حل دیگری دارد، که آن چیز دیگری جز تشکیل یک حکومت موقت ملی به اشتراک شخصیت های با اعتبار ملی و مردمی بوده نمی تواند؛ اما چرا تشکیل یک حکومت موقت ملی؟

بنابه دلایل آتی، تشکیل یک حکومت موقت ملی، یگانه راه بیرون رفت کشور از وضع خونین کنونی به شمار می آید:

- حکومت ملی، حکومتی خواهد بود، متشکل از همه شخصیت های با اعتبار ملی، که در طول سی و دو سال جنگ و خون ریزی، همواره در کنار مردم و وطن خویش بوده؛ و جز منافع علیای ملی، به هیچ منفعت حزبی، گروهی، قومی، مذهبی، لسانی، خانوادگی و شخصی توجه نکرده اند. گرچه قضاوت های بیطرفانه و مستقلانه شان در بسا موارد زندگی خود و نزدیکانش را در معرض خطرات و تهدید ها قرار داده، ولی با آن هم هیچ وقت و تحت هیچ نوع شرایطی سفید را سیاه و سیاه را سفید نگفته اند.

- حکومت موقت ملی متشکل از شخصیت های صدیق، دلسوز، کاردان و با فراست بوده، که می توانند از منافع و خواست های همه اقوام ساکن در کشور، بدون هیچ گونه تبعیض و امتیاز، حمایت به عمل آرد؛ زیرا چنین حکومت موقت ملی از هر گونه نفوذ نیرو های افراطی چپ و راست یا جیره خواران رژیم های سیاسی گذشته به کلی میرا خواهد بود. هر افغانی که از نام و شهرت نیک، درایت و شایستگی لازم برخوردار بوده؛ و از هیچ نوع قربانی و جانثاری در راه دفاع از میهن عزیز دریغ نرزد، می تواند صرفنظر از قوم، مذهب، زبان، سمت و

سایر تعلقاتش، در تشکیلات رهبری حکومت موقت ملی عضویت داشته باشد. شمولیت در رهبری یا صفوف چنین حکومت موقت ملی، خلاف حکومت های سابق، به خصوص حکومت فاسد و چپاولگر کرزی، هیچ گاه امتیاز نبوده، بلکه مسؤولیت، مکلفیت و حتا قربانی و جانفشانی تلقی خواهد شد.

- حکومتی دارای صفات ملی- مردمی می تواند به مثابه پُل میان همه نیرو های سیاسی در کشور عمل نموده؛ و بدین نهج از بحران عمیق بی اعتمادی، دشمنی ها و کدورت ها در وطن عزیز جلوگیری نماید. بر هیچ کس پوشیده نیست، که افغانستان تاریخی از سی و دو سال بدینسو قربانی جنایت ها، خیانت ها، تباہکاری ها، عقده کشائی ها و بی مبالائی های نیرو های چپ و راست بوده است. بنابراین، حکومت ملی با توجه به شرایط خاص جامعه ما، یگانه نیروی سیاسی خواهد بود، که می تواند کشور را از سقوط به پرتگاه افراط گیری های چپ و راست نجات دهد؛ و خواست های روا و میرم اکثریت خاموش جامعه را بر آورده سازد. جای شک و تردید نیست، که نه حکومت فاسدکرزی و نه نیرو های مسلح مخالف او، بلکه یک حکومت راستین ملی و مردمی در افغانستان است، که می تواند شعله های جنگ خونین افغانگشی را خاموش ساخته؛ و گرد و غبار نفرت های گوناگون در کشور را برای همیشه فرو نشاند؛ زیرا انجام چنین رسالت بزرگ ملی و میهنی مستلزم صفات و ظرفیت هائیت، که تنها یک حکومت مستقل، قاطع، مُخلص و باکفایت ملی می تواند بدان مفتخر باشد.

- مسؤولین پاک نفس، مردم دوست، قاطع و با صلاحیت حکومت موقت ملی می تواند، افغانستان را از چنگال فساد عمیق و گسترده ای نجات دهد، که تار و پود جامعه ما را فرا گرفته؛ و آه و ناله کافه هموطنان مظلوم و بیچاره ما را به آسمان ها بلند کرده است .

- حکومت موقت دارای وجهه ملی و مردمی یگانه نهادیت، که می تواند لکه های سیاه و ننگین انسانگشی، فساد، تولید و تجارت مواد مخدر و سایر پدیده های مستهجن را از دامن کشور پُر افتخار ما پاک سازد.

- تنها یک حکومت مستقل، غیر متعهد، دور اندیش و برخوردار از حمایت وسیع مردم است، که می تواند مکتی بر معیار های بین المللی با همه کشور های همسایه، بازیگران منطقه و جامعه جهانی مناسبات دوستانه بر قرار نموده؛ از کمک ها و همکاری های مفید شان به نفع کشور استفاده کرده؛ و از هر نوع درازی های شان در امور داخلی ما با قاطعیت تمام جلوگیری نماید. چنین یک حکومت مستقل، غیر منسلک، بیدار، مآل اندیش و مردمی چیز دیگری جز یک حکومت ملی و مردمی بوده نمی تواند.

- حکومت موقت یا دایمی ملی می تواند کشور ما را از راه رشد اقتصاد زیانبار مصرفی و وارداتی رهائی بخشیده؛ و همزمان با توسعه متوازن خدمات، در راستای حمایت و پیشرفت تولیدات ملی اقدام نماید؛ زیرا با تولید محصولات صنعتی و زراعتی وطنی است، که می توان گام های سودمندی جهت حل مسأله بیکاری در کشور برداشت؛ و با تأمین خود کفائی مواد مورد نیاز اولیه مردم، استقلال سیاسی مملکت را نیز از مداخلات و دست درازی های مغرضانه بیگانگان، نجات بخشید.

- بالاخره یک حکومت موقت با اعتبار ملی است، که می تواند راه را به سوی انتخابات آزاد، شفاف و عادلانه در کشور فراهم ساخته؛ و مثال ارزشمندی باشد برای حکومت های منتخب آینده این مملکت. مبرهن است، انتخاباتی که توسط همچو اداره پُر نفوذ و محترم ملی بر گزار گردیده، هیچ گاه به فضیحت ها و رسوائی های منتج نخواهد شد، که کمیسبون مزدور و وابسته حکومت کرزی، به آن مواجه است . استقلال، بیطرفی، کفایت و قاطعیت از جمله شرایط حتمی و ضروری یک نهاد برگزار کننده انتخابات به شمار می رود؛ و فراهم آوری آن را صرف در وجود یک حکومت راستین ملی، می توان تضمین کرد.

از یاد آوری این نکات عمده و بسا نکات خورد و کوچک ذکر نشده باید نتیجه گرفت، که تشکیل حکومت موقت ملی از نیازمندی های اولی و اساسی افغانستان جنگ زده و تباه شده به حساب می آید. واقعیت اینست، که نه لشکرگاه های نیرو های ائتلافی، نه حاکمیت دار و دستة کرزی و نه حملات انتحاری نیرو های مسلح مخالف، به تنهایی خود قادر است ، مسایل بزرگ و پیچده جامعه ما را به درستی و دقیق حل و فصل نماید. متأسفانه پافشاری نیرو های درگیر بر مواضع سیاسی موجود، جنگ، خون ریزی، تباهی، فساد، فقر، بیکاری و سایر مصایب کشور ما را بیش از پیش تشدید می بخشد. از اینرو، تا دیر نشده باید راه تعقل و منطق را در پیش گرفت، که خیر و رستگاری همه افغانان در آن نهفته است .